

تحليل تمرکز جغرافيايي مهاجران (اتباع) خارجي در ايران

مجريان

جواد صلاحی - حسين ميرزایی

همکار:

نیما دانش پرور

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

پژوهشکده‌ی آمار

آبان ۱۳۸۷

به نام خداوند جان و خرد

پیش‌گفتار

سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن یکی از عمده‌ترین راه‌های شناخت کشورها از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی برای برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی خدمات و فعالیت‌های ملی و منطقه‌ای است. امروزه در اغلب کشورها سرشماری‌های نفوس به فاصله‌ی ۵ یا ۱۰ سال یک بار به مرحله‌ی اجرا در می‌آید. در جمهوری اسلامی ایران نیز سرشماری عمومی نفوس و مسکن مطابق ماده‌ی ۴ قانون مرکز آمار ایران، هر ده سال یک بار با فرمان رئیس جمهوری اجرا می‌شود. این سرشماری در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ منطبق با جدیدترین روش‌های علمی به مرحله اجرا درآمده است.

از آنجایی که در این سرشماری‌ها، جمعیت به‌عنوان محور و هدف توسعه، از ابعاد مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد و اطلاعات به تفصیل گردآوری می‌شود، لذا از منابع بسیار غنی در شناخت ویژگی‌های جمعیتی کشور محسوب می‌شوند.

اگرچه داده‌های خام سرشماری فی‌نفسه نمادهای گویایی از خصیصه‌های مختلف جمعیت یک جامعه‌اند، اما ارزش واقعی آن‌ها زمانی پدیدار می‌شود که توسط اهل فن با رویکرد به پیوندهای متقابل پدیده‌ها تحلیل و تفسیر شوند. به منظور حصول به این گونه تحلیل‌ها، پژوهشکده‌ی آمار برای اولین بار با کمک پژوهشگران و صاحب‌نظران اجتماعی، اقتصادی و آماری اقدام به انجام طرح‌های پژوهشی

در ابعاد گسترده در زمینه تحلیل ویژگی‌های جمعیتی (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی)، مسکن، امکانات و تسهیلات، مهاجرت (داخلی، خارجی) نموده است.

مجموعه حاضر یکی از طرح‌های انجام شده در زمینه تحلیل نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ می‌باشد که امید است پاسخگوی بخشی از نیاز کاربران باشد.

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

فهرست مطالب

	<u>عنوان</u>	<u>صفحه</u>
۱	کلیات تحقیق	۱
۱-۱	بیان مسأله و اهمیت موضوع	۱
۱-۲	فرضیه‌های (سوالات اساسی) تحقیق	۲
۱-۳	روش تحقیق	۳
۵	ادبیات موضوع و مطالعات تجربی انجام شده	۵
۲-۱	تعاریف و مفاهیم	۵
۲-۲	مبانی نظری مهاجرت	۶
۲-۳	دلایل مهم مهاجرت	۸
۲-۴	تمرکز جغرافیایی	۱۱
۲-۵	روش‌های محاسبه تمرکز جغرافیایی	۱۴
۲-۶	مروری بر مطالعات تجربی	۱۵
۱۹	شرح داده‌های تحقیق	۱۹
۳-۱	توزیع مهاجران (اتباع) خارجی بر حسب ملیت و استان	۱۹
۳-۲	توزیع مهاجران (اتباع) خارجی بر حسب وضع زناشویی و استان	۲۲
۳-۳	توزیع مهاجران (اتباع) خارجی بر حسب سن	۲۴
۳-۴	توزیع مهاجران (اتباع) خارجی بر حسب وضعیت سواد	۲۶

- ۳-۵) توزیع مهاجران(اتباع) خارجی بر حسب دین ۲۸
- ۴) محاسبه شاخص تمرکز جغرافیایی مهاجرت ۳۱
- ۴-۱) معرفی شاخص تمرکز جغرافیایی مهاجرت ۳۱
- ۴-۲) محاسبه شاخص تمرکز جغرافیایی ۳۲
- ۴-۳) تحلیل شاخص تمرکز جغرافیایی مهاجران(اتباع) خارجی بر حسب ملیت ۳۵
- ۴-۴) تحلیل شاخص تمرکز جغرافیایی مهاجران(اتباع) خارجی در استان ۴۱
- ۴-۵) بررسی رابطه‌ی تمرکز جغرافیایی و ملیت ۴۶
- ۴-۶) بررسی رابطه‌ی تمرکز جغرافیایی مهاجران(اتباع) خارجی و استان ۴۶
- ۵) جمع‌بندی ۴۹
- ۶) منابع و مآخذ ۵۲

۱) کلیات تحقیق

۱-۱) بیان مسأله و اهمیت موضوع

از مسائل مهمی که دولت‌ها باید پیش از تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های بلندمدت در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مد نظر قرار دهند، تمرکز جغرافیایی پدیده‌های مورد مطالعه است. نابرابری منعکس کننده شرایط متفاوت اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف و فرصت‌های در اختیار واحدهای مورد مشاهده می‌باشد. برای اندازه گیری این نابرابری‌ها اغلب از شاخص‌های تمرکز جغرافیایی استفاده می‌شود.

تمرکز جغرافیایی عددی است که چگونگی توزیع یک صفت در یک ناحیه کوچکی از قلمرو ملی را نشان می‌دهد. بنابراین درجه تمرکز جغرافیایی بالا، نشانگر درجه بالای ناهمسانی و شاخص پایین تر بیانگر درجه نازلی از ناهمسانی در صفت مورد مطالعه است.

مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می‌گیرد. این تحرک باید به تغییر محل اقامت معمولی فرد از مبدأ یا محل اقامت قبل از مهاجرت وی، به قصد یا محل اقامت جدید بینجامد.

شایان ذکر است که تعریف مهاجرت از نظر حقوقی و جامعه شناسی متفاوت است. از نظر حقوقی به فردی که موطن خود را ترک کرده و در کشور دیگری به طور دائم مقیم گردد، مهاجر اطلاق می‌شود. در صورتی که در جامعه شناسی، مهاجرت به مفهوم جابجایی و انتقال افراد از زادگاه خود به شهر، منطقه و یا کشور دیگری است.

کشور ایران طی دهه‌های اخیر یکی از کشورهای مهاجرپذیر منطقه محسوب می‌شود. این امر عمدتاً بواسطه جنگ‌های داخلی و اشغال کشورهای افغانستان و عراق توسط ایالات متحده امریکا می‌باشد. مهاجرت نگرانی‌هایی را درباره مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای سیاستگذاران ایجاد می‌نماید. به همین منظور پژوهش حاضر به دنبال تحلیل تمرکز جغرافیایی مهاجران (اتباع) خارجی است تا سیاست‌های اتخاذ شده از توفیق بیشتری برخوردار شوند.

در این مطالعه تحلیلی بر تمرکز جغرافیایی مهاجران(اتباع) خارجی صورت می‌گیرد. مهاجران(اتباع) خارجی دارای تابعیت‌های گوناگونی می‌باشند که از جمله آنها می‌توان به افغانستان، عراق، پاکستان، ترکمنستان، آذربایجان، ترکیه و ارمنستان اشاره نمود. این مطالعه به تمرکز جغرافیایی گروه‌های مهاجران(اتباع) خارجی پرداخته و به این مطلب می‌پردازد که هر یک از گروه‌های مزبور در کدام یک از استان‌های کشور دارای تمرکز جغرافیایی بیشتری هستند.

پس از محاسبه این شاخص در کل کشور برای هر یک از گروه‌های مهاجر، شاخص در سطح استان نیز برای گروه‌های مزبور محاسبه خواهد شد. در ادامه به بررسی و تجزیه و تحلیل ویژگی‌های گروه مهاجران(اتباع) از قبیل دین، وضعیت زناشویی، جنسیت، سن و وضع سواد پرداخته خواهد شد.

با مشخص شدن تمرکز جغرافیایی مهاجران(اتباع) خارجی، راه برای سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های بلندمدت هموار می‌گردد. با تحلیل تمرکز جغرافیایی مهاجران(اتباع) خارجی، دولت می‌تواند قوانین مهاجرت را به نحوی تنظیم نماید که با ورود برخی مهاجران(اتباع) خارجی موجبات توسعه کشور را فراهم نماید.

در این مطالعه در بخش‌های آتی مروری بر مبانی نظری مهاجرت و روش‌های محاسبه تمرکز جغرافیایی صورت می‌گیرد و سپس به مطالعات تجربی انجام شده در این زمینه پرداخته خواهد شد و در ادامه شاخص تمرکز جغرافیایی مورد استفاده در این مطالعه معرفی خواهد شد. با محاسبه این شاخص در سطح کل کشور و استان‌ها، به تجزیه و تحلیل و بررسی آن اقدام خواهد شد و نهایتاً نتیجه‌گیری لازم صورت خواهد گرفت.

۱-۲) فرضیه‌های(سوالات اساسی) تحقیق

- بیشترین و کمترین تمرکز جغرافیایی مهاجران(اتباع) خارجی در سطح کشور و استان مربوط به کدام ملیت می‌باشد؟

- آیا تمرکز جغرافیایی مهاجران(اتباع) خارجی بر حسب ملیت‌های مختلف متفاوت است؟

- آیا تمرکز جغرافیایی مهاجران(اتباع) خارجی در استان‌های مختلف متفاوت است؟

۳-۱) روش تحقیق

روش مورد استفاده در مطالعه حاضر کتابخانه‌ای می‌باشد، که بر این اساس نظریه‌های موجود و مرتبط با موضوع مطالعه جمع‌آوری می‌گردد. برای آزمون فرضیه‌ها از شیوه تحقیق تحلیلی، توصیفی استفاده می‌شود.

- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری مورد بررسی، کلیه مهاجران (اتباع) خارجی در کشور می‌باشد که از اطلاعات سرشماری ۱۳۸۵ استخراج شده است. مهاجران (اتباع) خارجی از کشورهای افغانستان، عراق، پاکستان، ترکیه، آذربایجان، ترکمنستان و ارمنستان می‌باشد. اطلاعات مورد نیاز مطالعه از فرم شماره ۳ - پرسشنامه خانوار - ارقام عمومی و تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران قابل دسترس است. این ارقام اطلاعاتی شامل تابعیت، دین، جنس، سن، وضع زناشویی و سواد می‌باشد.

- شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از برنامه Access و Excel و SPSS استفاده شده است.

۲) ادبیات موضوع و مطالعات تجربی انجام شده

۲-۱) تعاریف و مفاهیم

- مهاجرت

با عنایت به اینکه طیف تحرک مکانی انسان گسترده است و از مهاجرت دائمی به یک کشور خارجی گرفته تا حرکت به یک شهر مجاور و تا رفت و آمد روزانه برای کار را در بر می‌گیرد، لذا تعاریف متفاوتی از مقوله مهاجرت از طرف پژوهشگران ارائه شده است که در ذیل به ذکر تعدادی از آنها پرداخته می‌شود.

استندین^۱ از پژوهشگران سازمان بین‌المللی کار مقوله مهاجرت را بر پایه دو شاخص یعنی مدت اقامت و مسافت از انواع دیگر تحرک باز می‌شناسد. مدت مهاجرت ممکن است بر اساس مدت واقعی توقف یا مدتی که مهاجر قصد دارد در مقصد توقف کند، سنجیده شود. حداقل مدت از ۲۴ ساعت تا یکسال یا بیشتر در نوسان است. از نظر این پژوهشگر مهاجران (اتباع) را می‌توان به سه دسته دائمی، موقت و یا گردنده (که بارها به سفرهای کوتاه مدت می‌رود) تقسیم کرد. مسافت معمولاً بطور مستقیم سنجیده نمی‌شود، بلکه اغلب بر حسب عبور از مرز تقسیمات کشوری یا سیاسی تعریف می‌شود.

امیر حسین آریانپور در کتاب زمینه جامعه‌شناسی، مهاجرت را چنین تعریف کرده است: منظور از مهاجرت یا کوچ، پخشی است منظم و سنجیده در پی حیاتی آسوده‌تر. بررسی عوامل موجد مهاجرت و نیز پراکندگی در دو مقوله می‌گنجد: دفع و جذب.

مسعود مهدوی در کتاب اصول و مبانی جغرافیایی جمعیت مفهوم مهاجرت را چنین تصور کرده است: مهاجرت عبارت است از جابجایی بین دو واحد جغرافیایی و یا به عبارت دیگر ترک یک سرزمین و اسکان در سرزمین دیگر. ایشان توضیح می‌دهند که مهاجرت فقط برای انسان‌هایی مطرح است که استقرار یافته‌اند و برای مدتی نسبتاً طولانی در مکانی ساکن بوده و احتمالاً در این مدت تصمیم قطعی برای مهاجرت نداشته‌اند، در یک مقطع زمانی انگیزه‌ای اعم از اقتصادی، اجتماعی و یا سیاسی آنها را به ترک سرزمین اصلی و اقامت در سرزمین دیگر وا می‌دارد که معمولاً قصد بازگشت در آن مطرح نیست. بنابراین کوچ

¹ Standing.G

نشینان، دوره گردان، کولی‌ها، و توریست‌ها که به سرزمین‌های دیگر مسافرت می‌نمایند، مهاجر نبوده و نمی‌توان آن‌ها را در زمره مهاجران (اتباع) به حساب آورد.

امانی و همکاران در لغت‌نامه جمعیت‌شناسی، مهاجرت را چنین توصیف کرده است: مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می‌گیرد. این تحرک باید به تغییر محل اقامت معمولی فرد از مبدأ یا محل اقامت قبل از مهاجرت وی، به قصد یا محل اقامت جدید بینجامد.

حبیب‌ا. زنجانی مهاجرت را تغییر محل اقامت فرد از یک نقطه به نقطه دیگر تعریف نموده است. شایان ذکر است که تعریف مهاجرت از نظر حقوقی و جامعه‌شناسی نیز متفاوت است. از نظر حقوقی به فردی که موطن خود را ترک کرده و در کشور دیگری به طور دائم مقیم گردد، مهاجر اطلاق می‌شود. در صورتی که در جامعه‌شناسی، مهاجرت به مفهوم جابجایی و انتقال افراد از زادگاه خود به شهر، منطقه و یا کشور دیگری است.^۱

۲-۲) مبانی نظری مهاجرت

در این قسمت مروری بر نظریات مهاجرت صورت گرفته و سپس به دلایل مهاجرت خارجی پرداخته می‌شود.

راونشتین^۲ اولین کسی بود که سعی کرد مکانیزم مهاجرت را بر اساس اصول کلی موجود در قالب رویکرد کارکرد گرایی بیان نماید. وی مهاجرت را رفتاری عقلانی می‌داند که بر اساس قوانین "جذب و دفع" اتفاق می‌افتد. یعنی عوامل نامساعد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و طبیعی باعث دوری مردم از محل سکونت خود شده و بالعکس آن‌ها را به نقطه‌ای که از این نظر شرایط مساعدی دارند، جذب می‌کند.

از دیدگاه کارکرد گرایان مهاجرت از عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی بین مناطق ناشی می‌شود و هرگونه تغییری که در جوامع روی می‌دهد جهت برقراری تعادل و هماهنگی است. مهاجرت نیز در اصل نوعی تغییر در جامعه به شمار می‌رود و در این شرایط بعضی از عوامل روی افراد فشار وارد می‌آورند و

^۱ بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت به شهر تهران، پژوهشکده آمار، تهران.

^۲ - Rovenstein

موجب خارج شدن آنها از منطقه اصلی زندگی‌شان می‌شوند و عوامل دیگری که آنها را به مناطق دیگر می‌کشانند.

اساساً کارکردگرایان پیامدهای مهاجرت را از علل آن جدا می‌کنند و پیامدهای مثبت مهاجرت را که ممکن است دامنگیر تعداد کمتری شود، تعمیم می‌دهند و چنان تصور می‌کنند که پیامدهای مثبت (مانند اشتغال) تمام‌نشدنی است و می‌تواند پاسخگوی خیل عظیم مهاجرانی (اتباعی) باشد که اکثراً غیر ماهر و بدون سرمایه هستند. علاوه بر آن هر چند ممکن است درآمد در مدت زمانی کوتاه بدست آید، تحرک اجتماعی و طبقاتی و پذیرش فرهنگ بیگانه نیازمند گذر زمان و حتی چند نسل است. از این رو در صورتی که جامعه مقصد، توانایی پذیرش را نداشته باشد، مهاجرت می‌تواند عواقب منفی را بدنبال داشته باشد.

اما برخلاف کارکردگرایان نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی و پیروان مکتب وابستگی معتقدند که علت‌های مهاجرت را نمی‌توان از آثار آن جدا کرد. چون از یک طرف مهاجرت معلول توسعه نابرابر و از طرف دیگر خود عامل گسترش توسعه نابرابر است.

نظریه‌پردازان مکتب وابستگی معتقدند که توسعه نیافتگی جهان سوم معلول نفوذ سرمایه‌داری بوده و به بیانی دیگر عوامل خارجی را بانی نابرابری قلمداد می‌کنند. از دیدگاه آنها مهمترین آثار مهاجرت عبارتند از:

- تقویت وابستگی کشورهای جهان سوم
 - تقویت توسعه نیافتگی کشور مهاجر فرست
 - تشدید نارسایی‌های منطقه مهاجرپذیر
 - بهره‌وری نادرست از منابع کشور مهاجر فرست به دلیل فقدان نیروی ماهر
 - رشد زاغه‌نشینی در حاشیه شهرها
 - تضاد فرهنگی و از خود بیگانگی مهاجر
 - ناهنجاری‌های اجتماعی
- با وجود تحلیل‌های جامعی که نظریه‌پردازان مکتب وابستگی از پدیده مهاجرت به‌ویژه در کشورهای جهان سوم ارائه داده‌اند، دارای محدودیت‌هایی نیز می‌باشند، از جمله:

- عدم توجه به دوسویه بودن جریان سرمایه و جمعیت بین دو منطقه مبدأ و مقصد و نیز عدم امکان جابجایی نیروی کار بین بخش مدرن و سنتی در منطقه مهاجر فرست.
- عدم توجه به پویایی عملکرد سرمایه‌داری در جهان سوم و تغییر خط مشی آن از صنعتی کردن به تمرکز شهرها و نفوذ مستقیم به بخش زراعی در دوران وابستگی جدید.
- وجود عدم تحرک در نسل دوم مهاجران (اتباع) و گاه انحصاری شدن برخی مشاغل بین آنان.
- غیر قابل حل بودن مشکل مهاجرت با وجود وابستگی آن به نظام جهانی.^۱

۲-۳) دلایل مهم مهاجرت

چنان‌که هم تحلیل‌های اقتصادی و هم بررسی‌های مربوط به مهاجران (اتباع) نشان می‌دهد، پیدا کردن شغل بهتر و دریافت دستمزد بالاتر دلیل اصلی مهاجرت است. در عین حال فاصله تا مقصدهای احتمالی و کیفیت و کمیت اطلاعات درباره آن‌ها، در اخذ تصمیم‌های مربوط به مهاجرت مؤثر است. عموماً عقیده بر این است که انگیزه اصلی مهاجرت مردم، جستجوی درآمد بیشتر است. تفسیر مهاجرت از دیدگاه اقتصادی در سالهای دهه ۱۹۶۰ از نگرانی روز افزون سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در مورد ارتباط‌های میان رشد جمعیت، شهرنشینی و توسعه سرچشمه گرفت و سپس تنظیم شد.^۲ در سال ۱۹۶۴ سیمون کوزنتس بیشتر به اتکای تجربه ایالات متحده آمریکا نشان داد که چگونه رشد اقتصادی و پیشرفت می‌تواند به مهاجرت بینجامد:

"پیشرفت فناوری آنچه را که مردم می‌خرند، تغییر می‌دهد و بنابراین درجه نیاز به کارگران را در مشاغل مختلف دگرگون می‌کند."

کارفرمایان اغلب ترجیح می‌دهند در شهرها مستقر شوند زیرا می‌خواهند به مواد خام، وسایل ارتباطی و ترابری و بازارهای مصرف به آسانی دسترسی داشته باشند. از این رو بسیاری شغل‌های جدید در شهرها ایجاد می‌شود حتی اگر لازم آید که کارگران از روستاها بکوبند.

^۱ نظری، عبدالحمید، ۱۳۸۳، "شناسایی و ارزیابی پتانسیل نیروی کار مهاجر روستا-شهری و امکان سنجی ساماندهی آنها در نواحی صنعتی روستایی استان گلستان"، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گلستان، گرگان.

^۲ - UNESCO, 1983.

با پیشرفت صنعتی شدن، نسبت افراد شاغل در مزارع پائین می آید، زیرا تغییرات فناوری در کشاورزی، نیاز به کار را تقلیل می دهد، همچنین کشاورزی عموماً آهسته تر از صنعت گسترش می یابد، زیرا وقتی درآمد فزونی می گیرد مردم سهم بیشتری از درآمد جدید خود را صرف کالاهای مصنوعی می کنند تا خوراک. افزایش طبیعی جمعیت و بنابراین رشد عرضه نیروی کار در نواحی روستایی بیشتر از نواحی شهری است، از این رو مهاجرت باید نه فقط رشد سریع تر تقاضای کارگر را در خارج از بخش کشاورزی پاسخ گوید، بلکه بالاتر بودن میزان افزایش طبیعی کارگر کشاورزی را هم جبران کند.^۱

در اوایل دهه ۱۹۶۰ مکتب اقتصادی سرمایه انسانی، مهاجرت را به عنوان یک سرمایه گذاری که بهره دهی منابع انسانی را افزایش می دهد، مطرح کرد. مردم در اخذ این تصمیم که مهاجرت کنند یا خیر، هزینه های این سرمایه گذاری را با بازده آن مقایسه می کنند. هزینه های مهاجرت مشتمل است بر درآمدهای آتی فرد در مبدأ که از آن صرف نظر می کند و هزینه های جابجائی، هم مالی و هم روحی. بازده مهاجرت شامل درآمدهای آتی فرد در مقصد است.^۲

در حالی که پژوهشگران در مورد موضوع تحلیل های خود متفق نیستند، خود مهاجران (اتباع) به صراحت اعلام می کنند که جستجوی شغل بهتر، دلیل مهم مهاجرت است. بخش بزرگ دیگری از مهاجران (اتباع) برای ادامه تحصیل می کوچند. دلایل خانوادگی، یعنی پیوستن به خویشاوندان یا همراهی با ایشان نیز دارای اهمیت است، مهاجران (اتباع) جوانتر بیشتر به قصد تحصیل با همراه خانواده حرکت می کنند ولی مهاجران (اتباع) پیرتر غالباً برای پیدا کردن کار می کوچند.^۳

دلایل مهاجرت زنان با مردان متفاوت است و قید و بندهای اجتماعی را که در راه تحرک و اشتغال زنان وجود دارد منعکس می کند. بطور کلی برای زنان نسبت به مردان کار و تحصیل اهمیت کمتر و دلایل خانوادگی اهمیت بیشتری دارد. اما در این زمینه میان کشورها فرق زیادی وجود دارد. در هند، مصر و

^۱ - Kuznets, S., 1964.

^۲ - Sjaastad, L.A., 1962.

^۳ - Rogers, A. and Castro, L. J., 1981,